

ایران

امام علی(ع): خدای من! انبوه ناامیدی‌ها را برِ خوش گمانی خودم مسلط نمی‌کنم، و امیدم را از کرامت‌های زیباییت نمی‌بُرم.

سخن‌روز

الاقبال: ج ۳، ص ۲۹۵

نگاره

خدا کند برسد سیب سرخ لبنان باز
به این دیار مبارک، بهار برگردد

رضا اسماعیلی



طراح: Mikail Ciftci

فضای مجازی

هنرمندان به دیدار نماینده حزب‌الله در ایران رفتند

جمعی از هنرمندان انقلابی با هماهنگی سازمان بسیج هنرمندان کشور در دفتر نمایندگی حزب‌الله حضور یافتند.

آرش زینال‌خیری، رئیس سازمان بسیج هنرمندان کشور به همراه جمعی از هنرمندان انقلابی با حضور در دفتر نمایندگی حزب‌الله و دیدار با سید عبدالله صفی‌الدین، نماینده حزب‌الله در تهران، شهادت‌سید حسن نصرالله را به دولت و مردم لبنان تسلیت گفتند و دفتر یادبود شهدای مقاومت را امضا کردند. ضمناً آسروده رهبر معظم انقلاب که توسط هنرمندان بسیجی به تذهیب درآمده بود به نماینده حزب‌الله اهدا شد.
در این دیدار هنرمندانی از جمله جمال شورجه، مسعود ده‌نمی، رضا اسماعیلی، هوشنگ توکلی، مریم پورایمین، امیرعباس ربیعی، افشین اعلا، علی غفاری، حبیب‌الله بهمنی، مهدی فرجی، محمدرضا شفیعی، حسن علی اکبری، آرش زینال‌خیری، محمد گلریز و حسین اسرافیلی حضور داشتند.

تبریک‌های متفاوت برای هفته ملی کودک

۱۳ تا ۱۹ مهرماه به نام کودکان و هفته ملی کودک است. کاربران شبکه ایکس با هشتگ هفته ملی کودک مطالبی نوشته‌اند.

یک کاربر با انتشار عکسی از شهید امیرعبداللھیان با کودکان، این روز را گرمی داشته است. کاربردیگری نیز نوشته است هفته ملی کودک مبارک! علاوه بر ۱۳ کتابخانه هد دهد سفید ویژه کودک، همه ۲۷۸۰ باب کتابخانه عمومی کشور دارای بخش کودک است. در طول سال، عضویت خردسالان و # کودکان ۷ تا ۱۲ سال والدین آنها در کتابخانه‌های عمومی رایگان و برای کودکان ۷ تا ۱۲ سال نیمه‌بهاست.

راین نندی، رئیس دفتر یونیسف در جمهوری اسلامی ایران در توئیتی با صدور پیامی خطاب به کودکان کشورمان، روز و هفته ملی کودک را به چه‌ها و خانواده‌هایشان تبریک گفت. کاربر دیگری هم پیام رئیس جشنواره فیلم کودکان سیاتل را از کشور آمریکا به مناسبت هفته ملی کودک توئیت کرده که خطاب به کودکان ایرانی ویدیویی را منتشر کرده و این رویداد را به چه‌های ایرانی تبریک گفته است.

کاربر دیگری هم درباره پوستر هفته ملی کودک گفته است: رومانی از پوستر هفته ملی کودک بدون کوچک‌ترین نشان و نمادی از همراهِی کودک ایرانی با ۲۰ هزار کودک شهید فلسطینی و لبنانی راهی توان گامی دیگر در راستای عادی سازی جنایت صهیونیست‌ها قلمداد کرد؛ اتفاقی که متأسفانه این بار در یکی از فعالیت‌های کانون پرورش فکری ظهور و بروز یافته است!

کلودیو کوپینوتزی، بنیانگذار و مدیر جشنواره فیلم جیفونی نیز در توئیتر با صدور پیامی خطاب به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، #هفته ملی کودک را اتفاقی لازم دانسته و برپایی آن را به کودکان و نوجوانان ایران تبریک گفته است.

«فرجی»، نابغه تنیس روی میز ایران شگفتی ساز شد

علی عالی، خبرنگار ورزشی در توئیتی به اتفاقی جالب در ورزش ایران اشاره کرد و نوشت: یک اتفاق تاریخی در ورزش ایران رخ داد: بنیامین فرجی، نابغه تنیس روی میز ایران با ۱۴ سال سن در اولین مسابقه تیمی ایران، وانگ چوکین، رتبه یک دنیا را از چین با نتیجه سه بر دو شکست داد. وانگ چوکین، قهرمان المپیک در رشته دوپل، در حال حاضر نقر اول زنگینگ دنیاست.

مجازات حبس برای کسانی که «خجالت نکش ۲» را لودهند

الھه قادری، وکیل پایه یک دادگستری و وکیل سید امیر پروین حسینی، تهیه‌کننده فیلم سینمایی «خجالت نکش ۱ و ۲»، با اعلام خبر پیگرد قانونی علیه افرادی که به صورت غیرمجاز از این اثر هنری بهره‌برداری کرده و می‌کنند، گفته است: «طبق ماده ۲۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، هرگونه نشر، پخش یا عرضه اثر بدون اجازه پدیدآورنده، جرم محسوب می‌شود و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.»

فیلم «خجالت نکش» به عنوان یک اثر فرهنگی و هنری با محتوای غنی، از حمایت قانونی برخوردار است و هرگونه اقدام غیرمجاز در استفاده از این اثر تنها به حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان آسیب می‌زند، بلکه به اقتصاد فرهنگی کشور نیز لطمه وارد می‌کند. ما در این خصوص از تمامی امکانات قانونی خود استفاده خواهیم کرد و پیگیری‌های لازم را انجام خواهیم داد.

متأسفانه برخی از پلنترم‌های نمایش بدون اجازه صاحب اثر، فیلم «خجالت نکش» را در سکوی نمایش خود قرار داده‌اند. این پلنترم‌ها، گاه با حمایت گسترده دستگاه‌هایی که خود باید ناظر بر اجرای صحیح قانون باشند، بدون ایجاد پایش مناسب برای جلوگیری از پخش غیرمجاز آثار، باعث آسیب جدی به سرمایه‌گذاران سینمای ایران شده‌اند.

موزیک ویدیوی کامران تفتی

کامران تفتی، بازیگر سینما و تلویزیون، موزیک ویدیوی جدیدی با نام «خیال» منتشر کرد. انتشار موزیک ویدیوی جدیدی از کامران تفتی در میان کاربران واکنش برانگیز شد. برخی کاربران به خوانندگی او اعتراض کرده و بازی او را مورد قبول دانسته و برخی دیگر از صدا و موزیک ویدیوی او تعریف و تمجید کرده‌اند.

- صاحب امتیاز: خیرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر عامل مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: احسان صالحی

- تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نامبر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پيامک: ۰۴۵۱۲۱۳ ۳۰۰۰ روابط عمومی • نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی: ۱۵۳۸۸-۵۳۸۸ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
- چاپ: چاپخانه‌های همشهری
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

نقل قول

سیلی اساسی در مسابقه «هولوساید» حواله صهیونیست‌ها می‌شود

هنرمندان اقصد نقاط جهان خیلی جسورانه و دست و دل‌بازانه در جشنواره هولوکاست شرکت می‌کنند. رژیم صهیونیستی فاجعه‌ای بسیار فراتر از نسل‌کشی و کشتار مستقیم مردم را دستور کار خود قرار داده که به معنی نابودی کامل بافت اجتماعی و زیست‌محیطی غزه و به منزله نابودی کامل فلسطین و مردم این کشور است.

دلایل تغییر نامگذاری مسابقه از این نظر حائز اهمیت است که لازم بود از واژه‌ای استفاده کنیم تا بتوانیم فراخوان مسابقه را در سطح گسترده منتشر کنیم که برای این منظور و به دلیل محدودیت‌های فضای مجازی در حذف واژه‌های مرتبط با هولوکاست، تصمیم گرفتیم از «هولوساید» استفاده کنیم. خیلی جالب است که وقتی مسابقه کارتون و کاریکاتور «فلسطین تنها نیست» را با همراهی حوزه هنری برگزار کردیم، یکی از رسانه‌های صهیونیستی اعلام کرد که ایرانی‌ها خیلی زیرپوستی سومین دوره مسابقه هولوکاست را برگزار کرده‌اند! اما از همین تریبون می‌گویم که بدآیند آن مسابقه در واقع یک سیبل آتشی بود و حالا سیلی اساسی در همین مسابقه «هولوساید» حواله‌شان می‌شود.

گفت‌وگوی مهر با سیدمسعود شجاعی طباطبائی، کاریکاتوریست و گرافیست ایرانی



یادداشت

نمایشگاهی با ترکیب آثار مرتبط با دفاع مقدس ایران و مقاومت فلسطین

سعدلی سیدان
سرمدیر مجله سوره

نمایشگاه «چه سرسبز بود دره من» که آخرین نقاشی‌های سیدعلی میرفتح را به نمایش گذاشته، این روزها در گالری ابوالفضل عالی حوزه هنری برپاست. «لطافت و نرمی» و در عین حال «صراحت و تیزی» آثار میرفتح همان گوهر کمیاب هنر امروز ماست. به قول شاعر:

در این زمان صراحت بدها به طبع روانی
که در اسارت لافاه و مجاز بیفتند

جنگ، امروز بیش از هر زمانی به ما نزدیک است و نمایشگاه «چه سرسبز بود دره من» فراخوان دوباره همین جنگ صریح، در ذاکره انسان امروز است. ساتتی مانندآل‌ها ذکر این جنگ را پس می‌زند و به وهم پناه می‌برند و می‌گویند: «تا کجا از جنگ می‌گویید؟ کمی هم در وصف زندگی بسرارید!» اما آنها نمی‌خواهند و نمی‌توانند بهای زندگی را بپردازند. نمایشگاه سیدعلی میرفتح دقیقا در برابر این گروه قرار گرفته است. او در توضیح یکی از تابلوهایش نوشته:

روبه آتش

ساتتی مانندآل کسی است که بهای احساساتش را نمی‌پردازد.

لیک هست آب ودیده رایگان.

حکایت دنیاست با غزه

صریح‌تر از این نمی‌توان سخن گفت. روبه آتش! یا تو بگو در دامنه آتشفشان!

نمایشگاه، ترکیبی است از آثار مرتبط با دفاع مقدس ایران و مقاومت مقدس فلسطین. این همنشینی، تذکری نافع به این مطلب است که «مبارزه» در مواقف و مواقبت تاریخی اشکال گوناگونی به خود می‌گیرد اما هیچ‌گاه متوقف نمی‌شود. ما امروز هم در جنگ هستیم؛ «روبه آتش».

اما این، همه ماجرا نیست. جنگ ما، جنگ آتش‌ها و آهن‌ها نبوده و نیست. این جنگ، لطافت و روحانیت خاصی دارد که در آثار میرفتح منعکس شده است. بیشتر تابلوها و شاید همه آنها از روی یک عکس نقاشی شده اما روگرفتی از آن عکس‌ها نیست، بلکه هنرمند حقیقتی را منکشف می‌سازد که پیش از آن درعکس‌ها جاری بوده و پس از آن نیز، «نقاش تا»، ما را به لحظه‌ای قبل از کار «عکاس» می‌برد و اینچنین نقاشی را پیش از عکس می‌نشانند، تا جایی که می‌توان گفت واقعبت عکس‌ها از روی حقیقت نقاشی‌ها کشف شده است.

در تابلوی «چه سرسبز بود دره من» - که اصلی‌ترین تابلوی نمایشگاه است و نام نمایشگاه از آن برداشته شده - سبزپوشان سپاه که اغلب‌شان شهید شده‌اند، به لطافتی که یادآور آثار امیرسویستی است، کشیده شده‌اند. بر فراز چهره‌های پشاش و لباس‌های سرسبز زمنندگان، افلاکیان در آسمانی به رنگ خون شهدا در پروازند.

قلم‌موی نقاش در همه آثار به همین لطافت عمل می‌کند. حتی در «شب‌نورده» که با ترکیب‌بندی موب، خطتی تهاجمی و برانگیخته دارد، نقاش از وجه باطنی و لطیف جنگ غفلت نکرده و پاره‌های نور را به کمک نوجوان فلسطینی فرستاده است. مهم‌تر از همه،

آن‌چه باطن مبارزه ما را به ظهور می‌رساند، انسانی است که در مرکز این مبارزه قرار گرفته و بار آن را به دوش می‌کشد: «مستضعف». مستضعف، سوزۀ اصلی آثار نمایشگاه است. در «آن یل ارجمند» رزمنده‌های را می‌بینیم که با چهره‌ای روستایی / کارگری، چشم به دوردست دارد و پیرومندانۀ -انگار غنیمت گرفته باشد- باری را حمل می‌کند. او، همان کوخ‌نشین مضوب کاخ‌نشین‌هاست. جواد طباطبایی درباره آنها نوشته بود: «کوخ‌نشینان، چنان که از نام آنان برمی‌آید، موجوداتی هستند که وطن ندارند و چون وطن ندارند و نمی‌دانند وطن چیست، آن را نابود می‌کنند ... ما هنوز نتوانسته‌ایم توضیح دهیم که کوخ‌نشینان چه بر سر ملت ایرانی آوردند.» عمر آقاي طباطبایی قد نداد که توضیح دهد کوخ‌نشینان چه بر سر وطن آوردند، اما آقای میرفتح با قاب گرفتن نمونه‌وار مستضعفان، به ما

نشان می‌دهد که حفظ وطن در جنگ هشت‌ساله مروهون چه کسانی است.

مروهون مستضعفان که کوخ‌نشینانی که با دست خالی جنگیدند و از دشمن غنیمت گرفتند یا سائی ما نثال‌ های کاخ‌نشین که به‌وقت جنگ دنبال سوراخ موش می‌گشتند؟

در «وارثان» زنی مستضعف را می‌بینیم که چادر ساده‌اش را به دندان کشیده و تصویر ولی خدا را با دو دستش بالا گرفته است. این زن از تبار زنان پانزده خرداد

است که در تابلوی «صبح ۱۵ خرداد» استاد مصطفی گودرز دیده بودیم، وارث مستضعفانی به‌پاخاسته که آینه‌دار روح‌الله شدند. مرحوم حکیم سید عباس معارف در کتاب «مبادی حکمت انسی»، سخنی به این مضمون دارد که: مستضعف- اگر قیام نکند- آینه‌ای است که مستکبر، کبریای دروغین خود را در آن تماشا می‌کند. هنگامی که مستضعف به‌پا خاست، از آینگی استخبار رها و آینه‌دار ولایت الهی می‌شود. پیروزی مستضعف، همین ایستادگی در برابر استخبار و رهایی از ولایت طاغوت است.

ایستادگی مستضعف در آثار دیگر این نمایشگاه جریان یافته و به ترکیب‌بندی محکم نقاشی «هَم رجال» رسیده است. آن‌جا که کودکی فلسطینی در مرکز اثر ایستاده و پرچم وطنش را بالا گرفته و لشکری از کودکان کوخ‌نشین پشت سرش ایستاده‌اند، یا در «روبه آتش» کودکان فلسطینی را می‌بینیم که از پشت سیم خاردار، لبخند می‌زنند و انگشتانشان را به نشانه فتح و پیروزی نشان می‌دهند. همان‌ها که امروز نه فقط برای بازگشت به وطن غصب‌شده‌شان می‌جنگند که پاسداران حیثیت و آبروی آدمیزاد روی زمین‌اند.

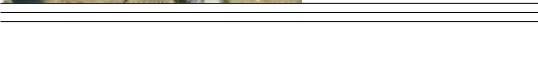


«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید



آدمی که عاشق پیاده‌روی است
از آدمی که عاشق مقصد است
جلوتر خواهد رفت.

الفردو دی استفانو



تجسم



عکاسی به مثابه اندیشیدن

ساده‌ترین کار عکاس این است که در غیاب بیننده، به جای او بیند و نتیجه دیدار را از طریق عکس در اختیارش بگذارد. مثلا به جای بیننده غایب، یک نما از بنای تاریخی، منظره طبیعی، رویداد اجتماعی و... را می‌بیند و برای دیده شدن مجدد آن را در قالب عکس، ثبت می‌کند. بیننده غایب می‌تواند غایب جغرافیایی باشد یا غایب تاریخی که خود معیاری برای ارزشگذاری کار عکاس خواهد بود. این نیابت دیداری حداکثر ممکن است به چند زاویه خلافت و کیفیت بصری منجر شود یا موجب صرفه‌جویی در وقت و دشواری‌های سفر و در مواردی شهادت تاریخی باشد. اما برای بیننده حاضر می‌تواند از نظر تجربه‌بنیایی به تصویری مشابه و حتی کاملاً مشترک منجر شود. یعنی اگر بیننده هم در همان محل و کنار عکاس حضوری داشت، تجربه دیدارش کمتر از عکس عکاس نبوده و چه بسا بیشتر باشد. عمده تفاوت در این تجربه‌ها محدود به تفاوت ساختمانی چشم و دوربین عکاسی یا میزان رعایت اصول و قواعد کلاسیک عکسبرداری و چگونگی به کارگیری تجهیزات است. بنابراین از ظرافت و اغراق‌های فنی عکاسی که بگذریم، بسیاری از گزارشات تصویری به عنوان «عکاسی منظره»، «عکاسی معماری»، «عکاسی خبری» و... در این گروه جای می‌گیرند. این عکاسی همان است که همواره تردیدهایی در کیفیت هنری آثار عکاسی به وجود آورده است. آبا آواز خواندن یا ضبط صدای خواننده. با هر میزان از کیفیت ضبط. در یک سطح از مفهوم هنر جای می‌گیرد؟ یا عکسی از یک تابلوی نقاشی نفیس را در این عکس‌ها بیشتر از عکاس به سمت موضوع عکاسی جلب شده و با تعاریفی مثل «چه منظره قشنگی!»، چه «بنای باشکوه‌ای!» و... تمجید می‌شود و عکاس تنها رابط انتقال چنین بداعت و جذابیتی است. اگر «سوزه» را مشاهده کننده «و ایزه» را مشاهده شونده تعریف کنیم، این عکس‌ها به جای تمرکز بر سوزۀ موقوف شیء این عکاسی، مرتبه دیگری از این نوع عکاسی، حداکثر کشف موضوعاتی است که ممکن است

به راحتی به چشم دیگران نیابند. در مقابل می‌توان برای عکاسی، جایگاه و معنایی به مراتب فراتر از این بازنمایی ساده فرض کرد. این موقعیت وقتی به دست می‌آید که میان هنرمند عکاس و بیننده، مراوداتی از جنس اندیشه عکس تنها یک بازنمایی از واقعیت موجود و جایگزین دیدن نیست. بلکه ابزار و انگیزه‌ای است که عکاس برای بازنمایی اندیشه و جهان‌شناسی یا انتقال تجربه زیستی خود از آن استفاده می‌کند. در این عکاسی، این همانی به یک گفتنمان تفسیری با تأویل‌پذیر تبدیل می‌شود. مخاطب با دیدن این عکس‌ها شریک رویدادی است که روایت و فهم و دغدغه‌های فکری عکاس، به‌عنوان هنرمندی صاحب نظر، در آن به شکل مؤثری حضور دارد و فرآیند نمایش و دریافت هر مخاطب بخشی از تدوام آفرینشی اثر هنری محسوب می‌شود.

این تقسیم بندی را با اندکی تفاوت می‌توان به سایر هنرهای تجسمی، اعم از نقاشی و مجسمه‌سازی و... هم تعمیم داد.



سعید فلاح فر
پژوهشگر هنر



عکس‌ها

شریک

رویدادی

است که

روایت و فهم

و دغدغه‌های

فکری عکاس،

به‌عنوان

هنرمندی

صاحب نظر،

در آن به

شکل مؤثری

حضور دارد و

فرآیند نمایش

و دریافت

هرمخاطب

بخشی

از تدوام

آفرینشی

اثر هنری

محسوب

می‌شود

